

آسیب‌شناسی اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد بر اساس شاخص‌های کالبدی معماری (نمونه موردی: شهر جدید صدرا)

نیلوفر لک

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

باقر کریمی^۱

استادیار، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

خسرو موحد

دانشیار، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۴

چکیده

یکی از اصلی‌ترین مسائل در خصوص طراحی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد این است که الگویی جامع وجود ندارد که بتواند با استفاده از آن الگو در طراحی، آسیب‌های اجتماعی را در این مجتمع‌ها کاهش داد. در همین راستا در این مقاله هدف اصلی آسیب‌شناسی اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد بر اساس شاخص‌های کالبدی معماری است. این مقاله با توجه به ماهیت و نوع پژوهش که به صورت توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد و روش انجام آن که توصیفی-تحلیلی است. قابل ذکر است که برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه و مصاحبه به عنوان ابزارهای اصلی بهره برده شده است. در این پژوهش پرسشنامه‌ها توسط افراد جامعه آماری و به صورت نمونه‌گیری تصادفی توزیع و تکمیل شدند. جامعه آماری ساکنین مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد در شهر جدید صدرا می‌باشد که معادل ۳۵۳۱۸ نفر است. برای محاسبه حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است که معادل ۳۸۰ نفر محاسبه گردیده است. هم‌چنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل آماری آموس به کمک مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مبلمان و زیرساخت‌ها، نظام عملکردی، دسترسی، نور و روشنایی، نظام فعالیتی-کاربری و کالبدی فضایی به ترتیب بیشترین اثرگذاری را در آسیب اجتماعی دارا می‌باشند و این اثرگذاری در مؤلفه‌های آسیب اجتماعی برای امنیت ۱،۰۱ و برای روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین ۰،۶۶ محاسبه شده است.

کلمات کلیدی: آسیب‌شناسی اجتماعی، مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد، شاخص‌های کالبدی معماری،
شهر جدید صدرا

مقدمه

مسکن از نیازهای اولیه هر انسان به شمار می‌آید و در کشورهای مختلف، دولت‌ها اقدامات و برنامه‌ریزی‌های جامعی را در زمینه تأمین مسکن اقشار مختلف انجام داده‌اند (علی‌بیگی و مهدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۱). مسکن در عین حال عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا می‌باشد که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین کننده و مهمی دارد (Short, 199: 2008). تأمین مسکن مناسب یکی از معضلاتی است که افراد جوامع بشری در زندگی روزمره با آن مواجه هستند. طی چند دهه اخیر با اجرا شدن طرح مسکن مهر، دولت توانسته به بسیاری از اقشار کم درآمد و متوسط جامعه در این راستا کمک نماید (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹). هم‌چنین، یکی از شاخص‌های سنجش فقر، مسکن است. مسکن خوب و کافی، یعنی مسکنی که تراکم بیش از حد نداشته باشد و حتی در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در میزان رضایت مندی فرد از سکونت در یک محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (West away, 2006:187). از سوی دیگر بسیاری از برنامه‌ریزان و طراحان شهری معتقدند که فقدان مسکن مقرون به صرفه بر سلامت کل جامعه تأثیر منفی دارد (Gabriel et al., 2005: 2).

قابل ذکر است که ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس آمار و اطلاعات موجود به یکباره سیر تحولی شهرنشینی را در نیم قرن اخیر با سرعت بالایی تجربه نموده است (میره، ۱۳۸۸). افزایش قابل توجه جمعیت در ایران و جوان بودن ساختار جمعیت کشور، نیاز شدید توسعه مسکن را الزامی می‌سازد. با توجه به این موضوع که ایران فاقد نظام جامع فراگیر و شفاف در ارائه تسهیلات به بخش مسکن است. طی سال‌های اخیر، رونق و رکود بازار مسکن و مجموعه‌های هم پیوند با آن، با اهمیت تلقی شده است و مسکن و وضعیت کمی و کیفی آن، به عنوان عاملی حساس و اثرگذار معرفی شده است. هم‌چنین، آسیب‌های اجتماعی و روند فزاینده آن وضعیت نگران کننده‌ای را در کشور ایجاد کرده است. گرچه آمارهای دقیقی از همه آسیب‌های اجتماعی در دست نیست اما آمارها و تخمین‌های موجود، از جدی بودن مسئله حکایت دارد. فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن برنامه ریزی جامع مسکن و سایر نارسایی‌هایی که در زیر ساخت‌های اقتصادی این کشورها وجود دارد از یکسو و افزایش شتابان جمعیت شهرنشین از سویی دیگر تأمین سرپناه در این کشورها را به شکلی غامض و چند بعدی درآورده است (پور محمدی، ۱۳۹۳).

شاخص‌های بسیاری هستند که به عنوان شاخص‌های درونی مسکن تلقی شده و برنامه ریزی مسکن می‌تواند در اصلاح و هدایت صحیح آنها نقش موثر ایفا کند. یکی از عوامل موثر بر میزان افزایش آسیب‌های اجتماعی نیز، مکان و مسکن‌های نامناسب است و بسته به کیفیت فضا و مکان رفتارهای نامناسب اجتماعی بروز متفاوتی دارند. تحلیل مسایل کمی و کیفی مسکن از طریق شاخص‌های مسکن انجام می‌گیرد و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن را در برمی‌گیرند. با توجه با موارد گفته شده بنظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین مسائل در خصوص طراحی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد این است که الگویی جامع وجود ندارد که بتواند با

استفاده از آن الگو در طراحی، آسیب های اجتماعی را در این مجتمع ها کاهش داد. در همین راستا در این مقاله هدف اصلی آسیب شناسی اجتماعی مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد بر اساس شاخص های کالبدی معماری است. این مقاله با توجه به ماهیت و نوع پژوهش که به صورت توسعه ای-کاربردی می باشد و روش انجام آن که توصیفی-تحلیلی است که منظور گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از مطالعات اسنادی-کتابخانه ای و پیمایش میدانی بهره برده شده است. هم چنین، با توجه به اهداف پژوهش و شاخص های تبیین شده در روش پیمایش میدانی برای گردآوری داده ها از پرسشنامه و مصاحبه به عنوان ابزارهای اصلی بهره برده شده است. جامعه آماری نیز ساکنین مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد در شهر جدید صدرا می باشد که معادل ۳۵۳۱۸ نفر است. برای محاسبه حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است که معادل ۳۸۰ نفر محاسبه گردیده است. البته قابل ذکر است که پرسشگر در پنج مجتمع از مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد شهر جدید صدرا پرسشنامه ها را مورد ارزیابی قرار داده است که در انتخاب مجتمع های مسکونی به صورت سیستماتیک و هدفمند اقدام شده است و شامل مجتمع مسکونی رضوان، ارژن، آپادانا، نگین و امیرالمؤمنین می باشد.

با توجه به ماهیت، نوع و روش تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار تحلیل آماری آموس^۱ به کمک مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. قابل ذکر است که مدل معادلات ساختاری^۲ ابزاری قدرتمند در تحلیل های چند متغیره آماری است. این روش که به اختصار SEM نیز نامیده می شود، از روش هایی که در تحلیل چند متغیره وجود دارد در حالت خاص استفاده کرده و مدل هایی مناسب برای داده هایی مربوط به تحقیقات کیفی ارائه می دهد. مفاهیم تحلیل مسیر در بهترین صورت از طریق ویژگی عمده آن یعنی نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها می باشد ترسیم و مورد تحلیل (آزمون) قرار می گیرد (عبدالملکی و امانی، ۱۳۹۵: ۱۷).

مبانی نظری

آسیب در شهر بر اساس ابعاد مختلف قابل تعریف و دسته بندی می باشد. آسیب ها در فضاها و بافت های شهر دارای ابعاد گوناگونی می باشد. داعی نژاد با نگاه رفتاری، آسیب های محیط شهر را بر دو نوع تقسیم کرده است که شامل آسیب های سازه ای- مشتمل بر تخریب ابنیه، تأسیسات و زیربناها با درجات مختلف و آسیب های غیر سازه ای - مشتمل بر صدمات انسانی، محیطی و بهداشتی می باشد (پیروزی و نظام فر، ۲۱۲:۱۳۸۷). هم چنین، اصطلاح آسیب شناسی^۳ در رشته های مختلف کاربرد دارد و در یک تعریف جامع آسیب شناسی را بر اساس تعریف مفهومی آسیب می توان چنین تعریف نمود که شامل بررسی و مطالعه فرایند ایجاد صدمه، زیان، عیب و نقص می باشد. آسیب شناسی را می توان موقعیتی نابهنجار و یا حالتی زیست شناختی تعریف نمود که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است و با اختلال در عملکرد سیستمی روبه رو شده است (Teixeira & Bueno, 2020 : 21).

¹ AMOS

² Structural Equation Modeling

³ pathology

آسیب‌شناسی اجتماعی^۱ مفهوم جدیدی می‌باشد که از علوم زیستی گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و آسیب‌های اجتماعی (کجروی‌ها) در نظر گرفته‌اند و می‌توان در یک تعریف کلی آن را چنین تعریف نمود: مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی (Peters, 2020:9). می‌توان گفت آسیب‌شناسی اجتماعی به معنی علمی است که برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود. آسیب‌شناسی اجتماعی در دهه‌های اخیر تبدیل به موضوعی اساسی در رشته‌های علوم انسانی شده است که منجر به بحث و گفتگوهای زیادی در ارتباط با وضعیت آن در تحلیل اجتماعی و فلسفه هنجاری شده است. به طور کلی، آسیب اجتماعی به عنوان کنشی مغایر با اصول و قواعد عام عمل جمعی مورد توافق اکثریت مردم جامعه محل فعالیت کنشگر، پدیده‌ای اجتماعی، چندوجهی، نسبی، متغیر و قانونمند است، هم‌چنین، افزایش آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه نه تنها شاخص توسعه نیست بلکه نشانه بحران است (Atarodi et al, 2020:5).

نواحی مختلف شهری و فضاهای شهری و معماری با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های بومی و جامعه‌شناختی که دارا می‌باشند دارای پتانسیل متفاوتی برای بروز آسیب‌های اجتماعی هستند. در این بین مناطق دارای اسکان غیررسمی به دلیل برخورداری از شرایط انزوا موقعیت مناسبی را برای بروز انواع جرائم و آسیب‌ها فراهم می‌کنند (حیدری و محمدی، ۱۳۹۹). قابل ذکر است که از جمله عواملی که می‌تواند در بروز آسیب اجتماعی در فضاهای شهری و معماری اثرگذار باشد به شرح زیر می‌باشد:

-تراکم جمعیت: مفهوم تراکم جمعیت که حاکی از رابطه بین تعداد افراد و فضای تحت اشغال آن‌ها است، یکی از مفاهیم جغرافیای جمعیت است که به وسیله جغرافیدانان به کاربرده شده است (بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۵: ۳۹) و افزایش جرم با افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری رابطه مستقیم دارد و این به ویژه در محلات عقب مانده شهری و مجموعه‌های مسکونی عمومی و پرجمعیت نظیر مسکن مهر کاملاً صادق است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۶)؛

-تفکیک و جدایی‌گزینی: جدایی‌گزینی، زمانی به وجود می‌آید که برخی نواحی دارای تعداد بیشتر و سایر نواحی دارای تعداد کمتری از اعضاء یک گروه اقتصادی-اجتماعی، درآمدی، مذهبی و غیره باشند (Van kempen 1998: 1640). بدین‌سان که هر گروه منطقه‌ای را برای سکونت انتخاب می‌کنند و یا از روی اجبار به زندگی در محله‌ای که جامعه شهری برای آن‌ها تعیین کرده، تن می‌دهند (Schelling, 1971: 143)؛

-مهاجرت: پدیده مهاجرت یکی از مسائل اصلی مورد توجه جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، جمعیت‌شناسان و مؤسسات مسئول توسعه کشورهاست (قلی بیگیان، ۱۳۷۹: ۲۷). مهاجرت روستائیان و ساکنان شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگ پیامدهای اجتماعی متعددی را در بردارد. علاوه بر مهاجرت از روستا به شهر، نوع دیگری از حرکات جمعیتی که در اثر صنعتی شدن و تحولات اخیر جوامع در حال توسعه، بسیار اهمیت پیدا کرده مهاجرت میان شهرهای درجه دوم و درجه اول و یا شهرهای درجه اول به پایتخت‌ها است.

¹ social-pathology

به طور کلی می توان در بررسی های مرتبط با آسیب اجتماعی مؤلفه هایی هم چون امنیت در فضاهای شهری و معماری و میزان ارتباط، شناخت و مشارکت کاربران فضاهای مذکور را مطرح نمود که به شرح زیر قابل تعریف و تبیین می باشد:

- ارتباط، شناخت و مشارکت ساکنین: به دنبال افزایش مهاجرت در شهرها و افزایش تراکم جمعیتی میزان ارتباط، شناخت و مشارکت ساکنین در فضاهای گوناگون کاهش یافته است در همین راستا می توان گفت در مجتمع های سکونتی بر اساس مواردی هم چون روابط همسایگی، خاطره جمعی بین همسایگان، تجانس اجتماعی و فرهنگی بین ساکنین مجتمع، شناخت ساکنین از یکدیگر، همبستگی اجتماعی بین ساکنین مجتمع و میزان مشارکت ساکنین در مجتمع برای حضور در مراسم، جلسات و غیره می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی اثرگذار باشند.

- امنیت: امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می شود که از مؤلفه های فعال محیط حاصل شده و پس از ادراک ذهنی، گونه ای احساس در امان بودن را بوجود می آورد و بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه ای برای تعالی انسان تلقی می شود (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹: ۴۴).

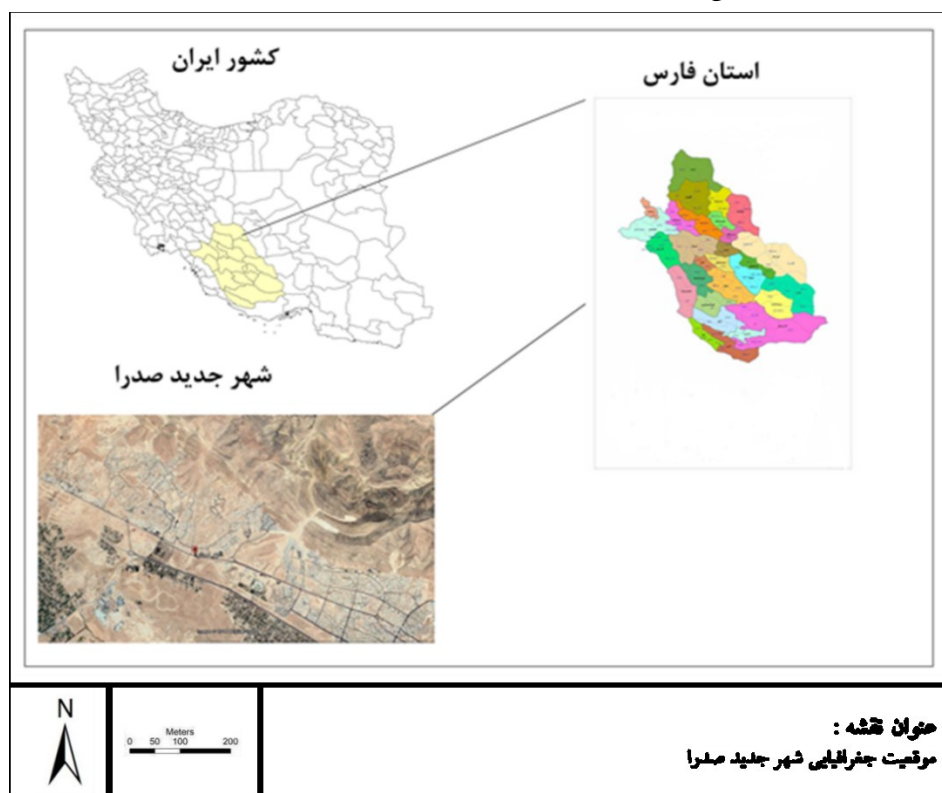
برنامه ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه ریزی شهری محسوب می شود که در آن فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جزئی از فعالیت های درون مکانی و واحدهای مسکونی جزئی از فضاهای تغییر شکل یافته و تطابق یافته شهری محسوب می شود که برحسب موضوع در چهارچوب برنامه ریزی مسکن مورد توجه قرار می گیرد. با توجه به این موضوع که مسکن و برنامه ریزی مسکن از دیدگاه های مختلفی مورد توجه قرار گرفته شدند. ناتوانی مالی و اقتصادی گروه های کم درآمد از یکسو و نبود برنامه ریزی نوین و سازوکارهای حمایتی مناسب از سوی دیگر، مانع از آن شده تا گروه های آسیب پذیر بتوانند به مسکن مناسب دسترسی داشته باشند. به طوری که این عدم دسترسی خود را در اشکال مختلف حاشیه نشینی، حلبی آبادها و منظره های بدقواره شهری به نمایش گذاشته و باعث بروز انواع معضلات اجتماعی و اقتصادی شده است (شری زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

مجتمع های مسکونی به عنوان پیچیده ترین و اساسی ترین عملکرد در عرصه معماری دو قرن اخیر به حساب می آیند و می توانند تاثیرات بسیار زیادی بر رفتار ساکنین و روابط آنها داشته باشند (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). هم چنین، مجتمع های مسکونی را می توان تعدادی بلوک ساختمانی در نظر گرفت، که شامل گونه های مختلف مسکن (تک خانواری، آپارتمان های کوتاه و بلند) می باشد (عینی فر، ۱۳۸۴: ۳۱). مجتمع های مسکونی روز به روز به شکل الگوی رایج مسکن در ایران و جهان با توجه به افزایش جمعیت شهرنشینی تبدیل شده است. با توجه به معانی لغوی و تعریف آپارتمان، می توان مجموعه ای از آپارتمان ها یا واحدهایی را که در یک ساختمان مسکونی قرار دارند، مجتمع مسکونی نامید و یا می توان گفت مجتمع مسکونی مکانی است که تعدادی آپارتمان یا واحد مسکونی را در خود جای داده است؛ به گونه ای که هر یک از واحدها دارای سند ثبتی مجزا یا حقوقی است و سایر بخش های آن به طور مشترک در مالکیت و اختیار تمامی مالکان واحدهای مسکونی قرار دارد (اسدی و پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۵۷).

لذا، آسیب‌شناسی اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس شاخص‌های کالبدی معماری می‌تواند در طراحی بهینه این نوع مسکن اثرگذار باشد.

محدوده مورد مطالعه

شهر جدید صدرا در پایان سال ۱۳۹۸ با داشتن ۱۲۲،۲۲۶ نفر جمعیت چهارمین شهر پرجمعیت استان فارس به شمار می‌آید. سومین شهر جدید پرجمعیت کشور پس از پزند و اندیشه است. مناطق مسکونی شهر جدید صدرا به دو فاز یک و دو تقسیم شده است که فاز یک در قسمت شرق و فاز دو در قسمت غرب قرار گرفته است. بنا به گزارش طرح جامع شهر جدید صدرا، این شهر با هدف اسکان جمعیت مازاد سرریز شهر شیراز در اولویت نخست قرار گرفته و چشم انداز آن در نظام سلسله مراتب شهری استان پس از شیراز و هم چون قرینه ای برای مرودشت خواهد بود. در ضمن با کاهش فشار قوی تقاضای مسکن از شهر شیراز، این شهر نیز وضعی متعادل کسب خواهد کرد. در دور پیمای روند تحولات رشد شهر جدید صدرا نیز پیش‌بینی گردیده بود که در پنج سال نخست ساخت و سازها فقط معادل یک هزار خانوار خواهد بود. سپس در پنج ساله سوم دو برابر شدن امکانات و ظرفیت‌های تولید سالانه ۲۰۰۰ خانوار امکان سکونت در شهر جدید را حاصل خواهند کرد. نهایتاً در سال‌های بعد سالانه برابر ۳۰۰۰ خانوار فرصت می‌یابد در شهر جدید صدرا سکونت یابند. لذا در سال ۱۳۹۵ تعداد ۴۵۰۰۰ خانوار با بعد متوسط ۴،۴ اسکان خواهند داشت سهم جوانان و افراد واقع در سنین کار و فعالیت ۱۵ تا ۴۴ ساله بیشتر از سایر نقاط می‌باشد. در نقشه شماره ۱ موقعیت جغرافیایی شهر جدید صدرا نشان داده شده است.



نقشه شماره ۱- موقعیت جغرافیایی شهر جدید صدرا، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

مطالعه نرخ رشد در شهر صدرا نشان دهنده این واقعیت است که جمعیت شهر جدید صدرا در مقایسه با مراکز جمعیتی موجود در شهرستان شیراز در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ از نرخ رشد بالاتری برخوردار بوده است که این امر می تواند حاصل شهر جدید بودن صدرا باشد که خود نشان دهنده ی عدم پیروی این شهر از یک الگوی رشد طبیعی می باشد که در حالی که دیگر شهرهای واقع در شهرستان شیراز از یک الگوی طبیعی رشد پیروی می نماید و کاربری مسکونی با ۴۲,۲ درصد، کاربری فضای سبز با ۷,۴ درصد بیشترین سرانه را به خود اختصاص داده اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، شرکت عمران شهر جدید صدرا، ۱۳۹۰).

همچنین، در زمینه محیط زیست شهر جدید صدرا به لحاظ محدودیت ها و وقوع ارتفاعات در جنوب و شمال شهر جهت توسعه، وجود سفره های آب زیرزمینی در قسمت جنوب شرقی، بسته بودن حوزه جنوب شرقی، فرسایش خاک در کوهپایه های شمال شرقی و غربی، وجود مسیل ها موارد مطرح شده هم چون جهت پیشگیری از آلودگی های هوا، خاک، صوتی و حرارتی و...؛ ظرفیت شهری در حد جمعیت زیر ۲۰۰ هزار نفر پیش بینی شود؛ تراکم های ساختمانی پایین نگهداشته شود؛ عمدتاً از کاربری های غیر آلوده کننده بهره گرفته شود؛ جانمایی کاربری ها با توجه به میزان آلودگی ها و اعمال یک رو به سلسله مراتبی، استقرار خدمات اداری، در مسیر شبکه ها و حوزه های مسکونی در داخل محلات، نوع شبکه، بهره گیری از شبکه و سیستم حمل و نقل مطلوب برای تسهیل عبور و مرور و کاهش توقیف مورد توجه خاص قرار گیرد، قابل اهمیت است: (شرکت عمران شهر جدید صدرا، ۱۳۹۰).

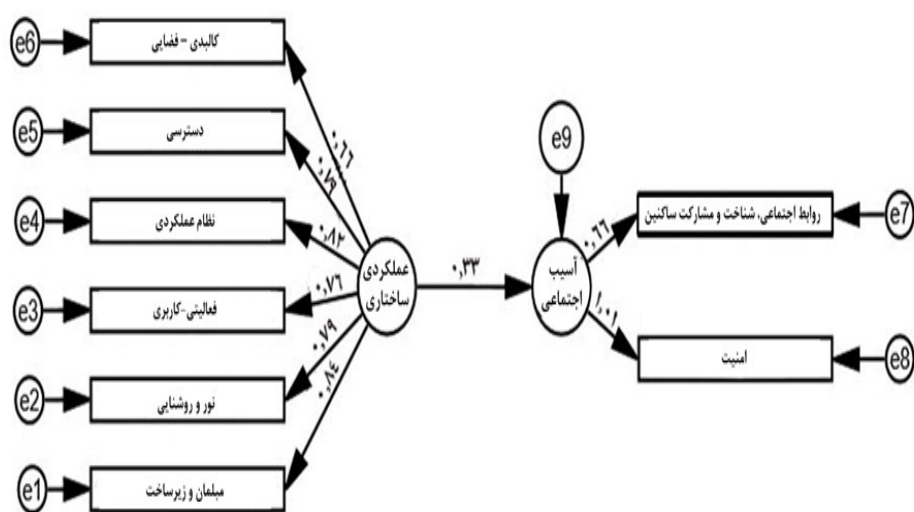
یافته های پژوهش

به منظور آسیب شناسی اجتماعی مجتمع های مسکونی اقبال کم درآمد در شهر جدید صدرا تحلیل داده های گردآوری شده بر اساس کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و آسیب اجتماعی صورت گرفته شده است. بر اساس جدول شماره ۱ می توان گفت بین کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و آسیب اجتماعی رابطه معناداری برقرار است. به عبارتی سوالات مورد تحلیل برای سنجش تاثیر کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری بر آسیب اجتماعی مولفه های مناسب و قابل قبولی می باشند.

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی تائیدی ابعاد مربوط به کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و آسیب اجتماعی

مؤلفه	جهت رابطه	بعد	بار عاملی
مبلمان و زیرساخت ها	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۸۴۱
نور و روشنایی	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۷۸۷
فعالیتی-کاربری	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۷۶
نظام عملکردی	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۸۲۲
دسترسی	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۷۸۸
کابردی-فضایی	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰/۶۶۴
روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین	<---	آسیب اجتماعی	۰/۶۶
امنیت	<---	آسیب اجتماعی	۱,۰۱
آسیب اجتماعی	<---	کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری	۰,۳۳۲

منبع: یافته های پژوهش؛ خروجی نرم افزار Amos.



نمودار ۱- نتیجه آزمون برازش مدل مفهومی کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری بر آسیب اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش؛ خروجی نرم افزار Amos

در ارتباط با بار عاملی کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری می‌توان چنین مطرح نمود که مؤلفه کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقبال کم‌درآمد را می‌توان در چارچوب تحلیل عامل تائیدی استخراج نمود. در این راستا ۳۳ شاخص متغیر کالبدی در رفت و برگشت سه دوره‌ای به منظور تبیین مولفه‌های کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی در قالب ۶ بعد ۱- کالبدی - فضایی، ۲- دسترسی، ۳- نظام عملکردی، ۴- فعالیتی-کاربری، ۵- نور و روشنایی و ۶- مبلمان و زیرساخت‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ مقادیر بار عاملی محاسبه شده برای این ابعاد نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. تاباچنیک و فیدل بیان کرده‌اند که ابعاد با بار عاملی بزرگتر از ۰,۳۲ باید مورد توجه قرار گیرند. در مطالعات کومری و لی دامنه‌ای از ارزش‌ها را برای تفسیر شدت روابط بین متغیرها و عامل‌ها پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها بیان کرده‌اند که بارهای عاملی ۰,۷۱ و بالاتر عالی، ۰,۷۱ تا ۰,۶۳ خیلی خوب، ۰,۶۳ تا ۰,۵۵ خوب، ۰,۵۵ تا ۰,۴۵ نسبتاً خوب و ۰,۴۵ تا ۰,۳۳ ضعیف است (حسینچاری و همکاران، ۱۳۹۴). مجموع ابعاد استخراج شده از ۳۳ متغیر برابر شش مؤلفه می‌باشد. براساس نتایج محاسبه تحلیل عاملی می‌توان مولفه‌های کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقبال کم‌درآمد را بیان نمود.

عامل نخست (مبلمان و زیرساخت‌ها): بارهای این عامل شامل شاخص‌های سیستم امنیتی از جمله دوربین مداربسته در مجتمع، وجود نگهبانی در هر بلوک و شناخت آن از همسایه‌ها، وجود مبلمان‌هایی نظیر نیمکت و... در فضای محوطه، کیفیت استفاده از مبلمان‌ها و کف سازی در ارتقا امنیت و آرامش، مطلوبیت وجود راهنما و نشانه در محوطه مجتمع، میزان وجود زیرساخت‌ها و خدمات موجود در مجتمع‌های مطالعاتی که سبب کاهش آسیب اجتماعی می‌شود را شامل می‌باشد. بارعاملی این مولفه برابر ۰,۸۴۱ محاسبه شد که نشان از کیفیت تبیین‌کنندگی بالای این عامل است.

عامل دوم (نظام عملکردی): این عامل از آنجا که بیشترین بار را بر روی شاخص هایی هم چون ارتباط بصری فضاهای مختلف مجتمع، تناسبات فضایی در مجتمع، دسترسی فضاهای داخلی مجتمع مسکونی، عملکرد فضاها را در ایجاد امنیت و کاهش آسیب اجتماعی، کیفیت طراحی فضاها را در ایجاد امنیت و کاهش آسیب اجتماعی و میزان تنوع کاربری ها در جهت کاهش آسیب اجتماعی را نشان می دهد. تحت بار عاملی نظام عملکردی نامگذاری شده و دارای مقدار ویژه ۰,۸۲۲ می باشد.

عامل سوم (دسترسی): بارهای این عامل بر شاخص های احساس ایمنی و راحتی در ورودی مجتمع و بلوک ها، وضوح قلمرو فضایی برای ساکنین، وضوح قلمرو فضایی برای غیرساکنین، میزان دسترسی به کاربری های مختلف از جمله آموزشی، انتظامی و...، کنترل دسترسی به درب ورود و خروج، کیفیت دسترسی آسان به ورودی و نگهبانی مجتمع، نفوذپذیری فیزیکی مجتمع (دسترسی به فضاهای عمومی و نیمه عمومی)، ایمنی و راحتی هنگام پیاده روی در مجتمع، ایمنی و راحتی شبکه ارتباط موجود در سایت مجتمع، سلسله مراتب فضایی و دسترسی به فضاهای مختلف مجتمع با توجه به معیارهای کاهش فضاهای جرم خیز در مجتمع های مطالعاتی را شامل می شود. بارعاملی محاسبه شده برای آن برابر ۰,۷۸۸ می باشد.

عامل چهارم (نور و روشنایی): در این عامل بیشتر بارها بر سیستم روشنایی مجتمع و مکان قرارگیری آن ها، میزان روشنایی بین فضاهای باز بلوک ها و ورودی مجتمع می باشد. بارعاملی این مولفه برابر ۰,۷۸۷ می باشد که نشان دهنده قدرت عالی تبیین کنندگی این عامل می باشد.

عامل پنجم (فعالیتی-کاربری): در این عامل بیشترین بارهای عاملی بر وجود کاربری ها منطبق بر فعالیت های گوناگون، انجام فعالیت ها با توجه به حریم و قلمرو را در مجتمع، وجود فعالیت هایی در مجتمع که باعث بروز ناامنی شود و تنوع فعالیتی در فضاهای مجتمع می باشد و دارای بار عاملی ۰,۷۶ می باشد که نشان از قدرت تبیین کنندگی عالی این بار عاملی می باشد.

عامل ششم (کالبدی-فضایی): بار عاملی این مولفه نیز بر اساس شاخص های الگوی قطعه بندی فضاها را با توجه به ایجاد فضاهای باز و نیمه باز، وجود پارکینگ و امنیت آن ها، میزان فضاهای بلااستفاده در مجتمع که پتانسیل جرم خیزی دارد، کیفیت طراحی فضاهای مجتمع، میزان ارتباطات فضایی در محوطه مجتمع و الگوی قرارگیری ساختمان ها در مجتمع است و دارای بار عامل ۰,۶۶۴ می باشد و داری قدرت تبیین کنندگی خوب و قابل قبولی است.

شاخص برازندگی مدل کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و آسیب اجتماعی نیز حاکی از آن است که مجموعه وسیعی از معیارها و ابعاد برازندگی وجود دارند که می توانند برای اندازه گیری کل مدل مورد استفاده قرار گیرند. نکته قابل توجه این است که بایستی از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد مدل استفاده شود. زیرا معیار واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس از ابعاد متفاوت برای سنجش بزارش الگوی مورد مطالعه استفاده شده است که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- ارزیابی برازش مدل استخراج شده کیفیت محیطی عملکردی- ساختاری و آسیب اجتماعی

ردیف	مقادیر شاخص	ابعاد برازندگی مدل مفهومی
۱	۱۹۵,۵	ضریب کای اسکوئر
۲	۱۹	درجه آزادی (df) ^۱
۳	۰,۰۴۷	خطای تقریبی میانگین مربعات (RMSEA) ^۲
۴	۰,۹۴	شاخص تنظیم مناسب (AGFI) ^۳
۵	۰,۹۶	سطح خوبی شاخص تناسب (GFI) ^۴
۶	۰,۰۳۳	استاندارد (RMR)

منبع: یافته‌های پژوهش؛ خروجی نرم افزار Amos.

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی ابعاد نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب و قابل قبول مدل مفهومی می‌باشد ($GFI > 0,9$)، ($AGFI > 0,9$)؛ بنابراین براساس برازش مناسب الگوی مفهومی پژوهش با توجه داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت شاخص‌های مولفه کیفیت محیطی عملکردی- ساختاری بر کاهش آسیب اجتماعی اثرگذار است. لذا، مدل مفهومی فوق مدلی مورد تأیید با شاخص برازش خوب می‌باشد.

نتیجه‌گیری

به دنبال افزایش بیش از اندازه جمعیت شهری و مشکلات اقتصادی، تولید انبوه مسکن یکی از سیاست‌های کلانی است که تمامی کشورها این سیاست را در پیش گرفته‌اند. با توجه به این موضوع امروزه جمعیت بیشتر شهرها ناگزیر به سکونت در مجتمع‌های سکونتی است که گاه به عنوان مسکن اجتماعی یا مسکن اقشار کم درآمد نامیده می‌شود که این مجتمع‌ها، ساکنین را با معضلات و مشکلات متعددی مواجه کرده است. قابل ذکر است که این مجتمع‌های سکونتی، بدون توجه به ارزش‌های انسانی بر اساس نگرش توده‌ای به انسان‌ها برنامه‌ریزی و ساخته شده‌اند که سرآغاز بسیاری از آسیب‌ها در زمینه اجتماعی و بروز نا بهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد. لذا، آسیب‌شناسی اجتماعی این مجتمع‌های سکونتی بر اساس اساس شاخص‌های کالبدی معماری می‌تواند در طراحی بهینه این مجتمع‌های زیستی اثرگذار باشد.

بر اساس تحلیل یافته‌ها و در بررسی ارتباط بین کیفیت محیطی عملکردی- ساختاری و آسیب اجتماعی، مولفه مبلمان و زیرساخت‌ها بار عاملی ۰,۸۴۱، نظام عملکردی با بار عاملی ۰,۸۲۲، دسترسی با بار عاملی ۰,۷۸۸، نور و روشنایی با بار عاملی ۰,۷۸۷، نظام فعالیتی- کاربری با بار عاملی ۰,۷۶، و کالبدی فضایی با بار عاملی ۰,۶۴۴ بیشترین اثرگذاری را در آسیب اجتماعی دارا می‌باشد و این اثرگذاری در مولفه‌های آسیب اجتماعی برای امنیت ۱,۰۱ و برای روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین ۰,۶۶ محاسبه شده است که در جدول شماره ۳ مؤلفه‌های موثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی در این مجتمع‌های سکونتی ذکر شده است.

¹ Degrees of Freedom

² Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

³ Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

⁴ Goodness of Fit Index (GFI)

جدول ۳- مولفه های موثر در کاهش آسیب های اجتماعی

مبلمان و زیر ساخت ها	نظام عملکردی	دسترسی
۱. وجود نگهبانی در هر بلوک و شناخت آن از همسایه ها.	۱. میزان تنوع کاربری ها در مجتمع،	۱. احساس راحتی پیش از
۲. کیفیت استفاده از مبلمان ها و کف سازی در ارتقا امنیت و آرامش	۲. کیفیت طراحی فضاها در ایجاد امنیت،	وارد شدن به فضا
۳. سیستم امنیتی از جمله دوربین مدار بسته در مجتمع	۳. میزان دسترسی فضاهای داخلی مجتمع مسکونی،	۲. دسترسی به فضاهای
۴. وجود مبلمان هایی نظیر نیمکت	۴. ارتباط بصری فضاهای مختلف	مختلف
۵. میزان وجود زیرساخت ها و خدمات موجود در مجتمع		۳. میزان احساس ایمنی و امنیت کافی عابرین
نور و روشنایی	فعالیتی- کاربری	کلیدی- فضایی
۱. مکان قرارگیری سیستم روشنایی مجتمع	۱. وجود کاربری ها منطبق بر فعالیت های گوناگون	۱. میزان فضاهای بلااستفاده در مجتمع که پتانسیل جرم خیز بودن را دارند.
۲. سیستم روشنایی مجتمع در ایجاد محیطی امن	۲. تنوع فعالیتی در فضاهای مجتمع	۲. الگوی قرارگیری ساختمان ها
۳. میزان روشنایی ورودی مجتمع	۳. وجود فعالیت هایی در مجتمع که باعث بروز ناامنی	
۴. میزان روشنایی بین فضاهای باز بلوک ها		

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

بر اساس مطالب مطرح شده می توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

- بازشناسی مؤلفه های موثر بر کاهش آسیب اجتماعی در مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد با توجه به زمینه های دانشی دیگر ؛

- بررسی نقش ادراک فضایی بر کاهش آسیب اجتماعی در مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد؛

- مقایسه آسیب اجتماعی در مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد و دیگر مجتمع های مسکونی؛

- بازشناسی نقش پیکره بندی و چیدمان فضایی در کاهش آسیب اجتماعی در مجتمع های مسکونی اقشار کم درآمد و دیگر مجتمع های مسکونی.

- بررسی عوامل موثر حس دلبستگی به مکان در فضای باز مجتمع های مسکونی به منظور کاهش آسیب های اجتماعی.

منابع

- اسدی، صالح. مشکینی، ابوالفضل. علوی، سیدعلی. قائد رحمتی، صفر. (۱۳۹۹). تبیین سناریوی مطلوب الگوی مسکن گروه های آسیب پذیر شهری (نمونه موردی: کلانشهر تهران)، پژوهش های جغرافیای انسانی، ۵۲(۳): ۸۸۱-۸۷۱.
- الیاس زاده، سید نصرالدین. ضابطیان، الهام. (۱۳۸۹). بررسی شاخص های برنامه ریزی شهری موثر در ارتقا امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران)، نشریه هنرهای زیبا، ۲(۴۴): ۵۶-۴۳.
- بیانلو، یوسف. منصوریان، محمد کریم (۱۳۸۵)، رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۱۲.
- پیروزی، کریم، نظام فر، حسین. (۱۳۸۷) بافت های فرسوده شهری، ابعاد کالبدی- فضایی، اولین همایش بافت های فرسوده شهری، چشم انداز توسعه پایدار، ارزش ها و چالش ها، اهواز، دانشگاه شهیدچمران. ۲۲۰-۲۲۱.
- حبیب، فرح. ذبیحی، حسین. رهبری منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین، میزان رضایت از مجتمع های مسکونی و تأثیر مجتمع های مسکونی بر روابط انسان، هویت شهر، ۵(۸): ۱۱۸-۱۰۳.

- حیدری، تقی. محمدی، شهرام. (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی آسیبهای اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام آباد - شهر زنجان)، فصلنامه برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۰): صفحه ۷۶-۵۹.
- شاطریان، محسن، کیانی سلمی، صدیقه، قنبری، رعنا. (۱۳۹۶). ارزیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی و کالبدی مسکن مهر از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی: مسکن مهر شهرکاشان). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). ۷(۳): ۱۰۹-۱۲۶.
- شری زاده، عادل. روستایی، شهرپور. حکیمی، هادی. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی موثر بر وضعیت آینده برنامه‌ریزی مسکن اقشار کم درآمد در کلانشهر تبریز با رویکرد آینده پژوهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره ۳۸.
- علی‌بیگی، جواد، مهدی زاده، حسین. (۱۳۹۷). بررسی اثرات پروژه‌های مسکن مهر بر مهاجرت‌های روستایی - شهری (نمونه موردی: پروژه‌های مسکن مهر محله جانبازان شهر ایلام). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). ۸(۴): ۱۹۳-۱۸۱.
- عینی فر. علیرضا، (۱۳۸۴)، نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۲.
- قلی بیگیان، فاطمه (۱۳۷۹)، نقش مهاجرت در بزهکاری نوجوانان و جوانان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال ۶، شماره ۶.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق تهران، رساله دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
- میره، محمد. (۱۳۸۸). سیاست‌ها و الگوی برنامه‌ریزی مسکن گروه‌های کم درآمد شهری - مورد: شهر قم، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، تهران.

- Atarodi, A., Rajabi, M., & Atarodi, A. (2020). Cell Phone Use and Social Alienation of Young Teenagers. *Library Philosophy and Practice*, 1-10.
- Short, j. (2008). *Cities and monomicts*. New York: Routledge.
- Schelling, C. Thomas, (1971), *Dynamic models of segregation*, journal of mathematical sociology, Vol. 1.
- Westaway, Margaret S, (2006), *A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and environment Quality of Life in an Informal South Africa Housing Settlement, Doorknob, Soweto*, Habitat International, Vol 30., 175-189.
- Gabriel, M. Jacobs, K. Arthurson, K. Burke, T. Yates, J. (2005); *Conceptualizing and measuring the housing affordability problem (Report)*, National Research Venture3: Housing Affordability for Lower Income Australians, Australian Housing and Urban Research Institute.
- Teixeira, M., & Bueno, A. (2020). *The Politics of Social Suffering: Introduction to the Special Section*. Digit hum.
- Peters, M. A. (2020). 'The fascism in our heads': Reich, Fromm, Foucault, Deleuze and Guattarian—the social pathology of fascism in the 21st century. 1-9.
- Van kempen, R. Ozuckren, A. S., (1998), *Ethnic segregation in cities: New forms and explanations in a dynamic world*, urban studies, Vol. 35, No. 10.